



شوک فرهنگی اینترنتی شدن کسب و کار از کجا می‌آید؟

حسن فرامرزی
یک: کسب و کارها در کنار بُعد مالی و تجاری، وجوه مهم فرهنگی هم دارند. هر ملتی به شیوه‌ای که در فرهنگ عمومی و مناسبات فرهنگی‌اش نهادینه شده کسب و کار خود را دنبال می‌کند. از همین روست که ملت‌هایی در صنعت موفق‌ترند، ملت‌هایی در گردشگری، افرادی در تجارت استعداد دارند و افرادی دیگر در زمینه‌ای دیگر.

دو: تصاویر تجمع گروهی از اژانس‌داران تهران در جلوی مجلس علیه دوپ «اسنب» و «تپسی» که خدمات اینترنتی جابه‌جایی مسافەر در تهران ارائه می‌کنند، از یک زاویه فرهنگی قابل بررسی است. در چند ماهی که از آغاز فعالیت این نرم‌افزارهای موبایلی می‌گذرد رایگان خرید و فروش‌های اینترنتی، گاه و بی‌گاه زمزمه‌هایی مبنی بر توقف فعالیت این اپلیکیشن‌ها شنیده می‌شد. ماجرا از این قرار است که مثلاً وقتی رسانه‌های سنتی سفارشات گیرنده آگهی‌های خرید و فروش می‌بینند که بازار آنها با ورود اپلیکیشن‌های اینترنتی رو به تهدید است و سهولت و آنلاین بودن رایگان بودن استفاده از این نرم‌افزارها فضایی را فراهم آورده که مشتری‌ها بیشتر تمایل دارند در این نرم‌افزارها دنبال خدمت بگردند. آنها احساس خطر می‌کنند همچنان که چند ماه پیش رئیس اتحادیه بنگاه‌های مسکن در تهران اعلام کرد به هر زحمتی که شده جلوی فعالیت فلان اپلیکیشن‌را خواهد گرفت، چون این اپلیکیشن عملاً بناگذاران را از کار بیچار کرده است.
سه: ما در این نوشته کوتاه درباره ایجاد اجتماعی این موضوع سخن نمی‌گوییم بلکه آنچه محور این مباحث است، اندیشیدن درباره چگونگی‌های فرهنگی است که از سوی طبقه‌ای در جامعه به وجود آمده است. چرا این مقاومت‌ها وجود دارد؟ و آیا اساساً می‌توان درباره این پهنمی که سرازیر شده و به تدریج همه‌ساخت‌های زندگی ما را دربر می‌گیرد، مقاومت کرد؟ متأسفانه ما بخش اعظمی از انرژی‌مان را در یک دهه

مایک میگنولا پدر کامیک استریپ «پسر جهنمی»:

من فقط برای مردم کار می‌کنم

مایک میگنولا پدر کامیک استریپ «پسر جهنمی»:

اسماء معتمد

«پسر جهنمی» شخصیتی خیالی از قهرمانی استس که برای اولین بار در می سال ۱۹۹۳ خلق شد؛ پسری که صاحب پوستی قرمز، دم و شاخ (که بعداً آنها را پرید) و دست‌ها سیاه‌سنگی بزرگ بود. با اینکه کمی خشن و اخمو بود، اما هیچ‌گاه مقاصد شیطانی یک شیطان را نداشته است.

شخصیت او تیمی فرشته و نیبی دیو قهرمان است. مایک میگنولا را در اوادی هنر کامیک بزرگ پسر جهنمی می‌دانند. عمداً تا کارهای پر از هیولا و ارواح و افسانه میگنولا اقتباس از داستان‌های ویکتور هوگو است. به مناسبت سومین جشنواره سحر و جادو در موناکو فیگارو به‌سراغ

مایک میگنولا خالق کامیک «پسر جهنمی» رفت تا درباره کارهای آینده او سؤال کند. چه چیزی باعث شد تا نویسنده کتاب‌های کامیک بشوید؟

قهرمانان من جک کرپی و فرانک فراز تا هستند. بعد از فرانک میلر، مشهورترین و اثرگذارترین خالقان کامیک استریپ، شروع به کار کامیک کردم، و واقعاً می‌لز از نظر گرافیک و فیلمنامه‌نویسی الگوی من بود.

از چه زمانی شروع به کار کردید؟

ابتدا من در مدرسه هنر با کامیک آشنا شدم. هیچ اعتماد به نفسی در مهارت‌های کار نداشتم. برای همین درون گرا شدم. اما کارهایم بسیار بلد بود تا اینکه یکی از سردبیران نشریه مارول نمونه کارهای من را دید و از من خواست تا یکسری کار ارائه بدهم و من هم چاره‌ای ندیدم جز اینکه کارهایم را از آن به‌بهت‌تر کنم.

چه تغییراتی در روند کارهای اولیه و

فرهنگ‌وهرز

سرویس فرهنگی ۸۸۴۹۸۴۶۶



نقدونظری بر نمایش «مافیا» به نویسندگی و کارگردانی افروز فروزند

دروغ‌های حقیقی

«کتابه» که فضایی تقریباً نزدیک به مافیا داشتند، ولی تفاوت مافیا با نمایش‌های دیگر، در به‌رزی بودن اصمت و شیوه جذاب رویی و اجرایی‌اش است. چند سالی است بازی عجیب و غریبی به نام مافیا در کشور ما هم بین جوان‌ها و جمع‌های دوستانه رواج پیدا کرده و این روزها با نمایش تازه‌ای از افروز فروزند، کارگردان توانا و خوشفکری است که با گذشت ۱۲ سال قهر و دوری از تئاتر، خوشبختانه

سهال پیش با اجرای نمایش «بهمن»، بازگشت شکوهمند و موفقیت‌آمیزی به خاله هنری خود داشت. فروزندی بی‌تعارف، برکت و نعمتی است برای تئاتر ما. باید قدرش را دانست، چشم‌پسته به او اعتماد کرد و به فعالان بازار بودیم. پنج: اگرچه ممکن است این اتفاقات در ذهن کسانی که منافع و فضای کسب و کار خود را در خطر می‌بینند، یک بی‌رحمی بزرگ تعبیر شود و آنها به این صورت بخوانند انتقام این جهان بی‌رحم اینترنتی را از اپلیکیشن‌ها و نرم‌افزارها بگیرند اما بی‌رحمی بزرگ‌تر آنجاست که ما تصور کنیم می‌توان پشت به مسائل و چالش‌ها و اقتضات جدید دنیای فناوری ایستاد و آنها را ندید و به این صورت مسئله را حل کرد. به نظر می‌رسد بازار ما به یک پوست‌اندازی بزرگ در این حوزه نیازمند است اما این پوست‌اندازی نه در تجمع جلوی مجلس و خط و نشان کشیدن و تهدید اپلیکیشن‌ها که در درک اقتضات نوین دنیای امروز خواهد بود.

تئاتر ما برخلاف تصور عموم، طی ۱۰ سال گذشته فقط با بسرفت و بدبباری اتفاق‌های خوشایندی هم در این عرصه، موجب دوام تئاتر و دلگرمی بیشتر مخاطبان شده است؛ نمونه‌اش اجرای نمایش تازه‌ای از افروز فروزند، کارگردان توانا و خوشفکری است که با گذشت ۱۲ سال قهر و دوری از تئاتر، خوشبختانه سهال پیش با اجرای نمایش «بهمن»، بازگشت شکوهمند و موفقیت‌آمیزی به خاله هنری خود داشت. فروزندی بی‌تعارف، برکت و نعمتی است برای تئاتر ما. باید قدرش را دانست، چشم‌پسته به او اعتماد کرد و به فعالان بازار بودیم. پنج: اگرچه ممکن است این اتفاقات در ذهن کسانی که منافع و فضای کسب و کار خود را در خطر می‌بینند، یک بی‌رحمی بزرگ تعبیر شود و آنها به این صورت بخوانند انتقام این جهان بی‌رحم اینترنتی را از اپلیکیشن‌ها و نرم‌افزارها بگیرند اما بی‌رحمی بزرگ‌تر آنجاست که ما تصور کنیم می‌توان پشت به مسائل و چالش‌ها و اقتضات جدید دنیای فناوری ایستاد و آنها را ندید و به این صورت مسئله را حل کرد. به نظر می‌رسد بازار ما به یک پوست‌اندازی بزرگ در این حوزه نیازمند است اما این پوست‌اندازی نه در تجمع جلوی مجلس و خط و نشان کشیدن و تهدید اپلیکیشن‌ها که در درک اقتضات نوین دنیای امروز خواهد بود.

حالا آنها بر ملا می‌شود. این ایده اولیه، نمونه‌های دیگری نیز در تئاتر داشته

است. از جمله نمایش‌های «مخمصه» و

زاده‌هر راستگو

ادبیات جنگ و مشخصاً دفاع مقدس، از آن گونه‌های ادبی است که متأسفانه به دلیل بی توجهی مسئولان، مهجور باقی مانده و آن گونه که شایسته است به آن پرداخته نشده. طی سال‌های اخیر، این ژانر داستان‌نویسی، بیش از پیش به بیراهه رفته و کمتر شاهد اثر موفقی در حوزه داستان‌هایی با حال و هوای جنگ تحمیلی بوده‌ایم. شاید به نوعی احمد دهقان، حبیب‌احمدزاده و مجید قیصری هنوز تنها برچمداران سر بلند و مهم این وادی‌اند که به خاطر تجربیات شخصی و حضور در فضای جنگ و البته تخرشان در داستان‌سرایی و روایت صحیح ادبی، آثار فاخری در حیطه ادبیات دفاع مقدس رقم می‌زنند. حتی رمان‌های پر سرس و صدایی (نه پرفروش) نظیر «۸» و «بابائیز» فارغ از ارزش و کیفیت خوب یا بدشان، نتوانستند ناجی این گونه‌مهم و غنی از ایده و سوز‌های بکر باشند، ولی آیا تاکنون فکر کرده‌ایم دلیل ناکامی ادبیات دفاع مقدس چیست؟ پاسخ ساده است. کافیتست نگاهی به کتاب «لیموترش» بیندازید و فقط یکی از داستان‌های آن را بخوانید. همه چیز دست‌تان می‌آید. کتاب‌هایی نظیر «لیموترش»، دلایل خوبی‌اند برای عدم موفقیت و پیشرفت ادبیات جنگ، زیرا به نظر می‌رسد نویسندگان ما، اصولاً به این فضای داستان‌نویسی نگاهی سطحی و سهل و ممتنع دارند. نوشته‌های آنان به‌خصوص نویسندگانی چون «داود ملکی» که شاید همه اطلاعات از جنگ تحمیلی به چند فیلم و تعدادی برنامه مستند تلویزیونی یا خاطرات اطرافیان خلاصه می‌شود، از نوعی ساده‌انگاری مضحک و توهین‌آمیز رنج می‌برد که مسئله دفاع مقدس را یک موضوع شخصی و دم‌دستی جلوه می‌دهند و با آن بر اساس سلیقه و برداشت شخصی خود

فرصت تحصیل در امریکارا قربانی حسرت شوهرش برای پدر شدن بکند. فروزند علاوه بر کارگردانی، دیالوگ‌نویس خیلی خوبی هم است. جمله‌هایی که او برای کاراکترها می‌نویسد تا مدت‌ها ذهن تماشاگر را در گیر خواهد کرد. به یاد بیاورید این دیالوگ شاعرانه و فوق‌العاده منبیر را که فروزند پیشتر هم در نمایش «بهمن» استفاده کرده بود: «وقتی می‌خواهیدم، صدای سفیدشدن موهام رو می‌شنیدم.» میزاسن‌های نمایش بسیار دقیق، حساب‌شده و عالی‌اند، به ویژه در صحنه‌ای که دعوی‌احمد و مهناز اوج می‌گیرد و مردها به بالکن می‌روند و زن‌ها در اتاق می‌مانند تا غائله ختم‌شود. طراحی صحنه زیبا و کاربردی است و چه تمهید خوبی که کارگردان برای صدای شخصیت‌ها در بالکن چاره جویی کرده تا مخاطب از هر دو فضای درون و بیرون صحنه بهره ببرد. فروزند در کارگردانی تکنیک‌های لازم به خوبی استفاده کرده، مثل بخش‌های اجرایی مونولوگ‌ها و

فیکس‌شدن سایر شخصیت‌ها که کمک بزرگی به فضاسازی کار و گره‌گشایی از افکار و درونیات فردی پرسوناژها می‌کند. همه بازی‌های نمایش عالی و بی‌عیب و نقصند اما آن بازیگرانی که روی صحنه موجب حیرت و شگفتی بیننده‌اند، نگار عابدی- در سومین همکاری با کارگردان -و دو بازیگر ارمنی نمایش «پروین گالستیان» و «تتی اوآکیان» هستند. هنرمندان ارمنی نمایش، پدیده‌های نوظهور و درخشان بازیگری تئاترند که باید از آنها تقدیر و حمایت‌شود. «مافیا» نمایشی نیست که ندیدنش را به کسی توصیه کنیم اما دو پیشنهاد می‌تواند موجب بهتر شدن نمایش و تأثیرگذاری پوشش آن بشود.

نخست آنکه مافیا بازی جدیدی بین سرگرمی‌های امروز مردم است و هنوز خیلی‌ها تجربه انجام آن را ندارند و با قوانینش آشنا نیستند. اگر کسی که با این بازی آشنا نیست، به تماشای نمایش مجبور است بخش جنبی و مهم‌تر اثر، یعنی ماجرای گم‌شدن شهرام را بداند. اختلافات شخصی بین دوستان را دنبال کند. بنابراین شاید بهتر بود یا حتی اجراء، اشاره‌ای به قوانین این بازی می‌شد یا در آموزش توضیح کوتاهی می‌آمد. دوم اینکه زمان نمایش کمی طولانی است و تا رسیدن به نیمه‌نهایی، روندی کند برای شرکت در برنامه می‌تواند به نشانی میدان بهم، خیابان شهید تندگویان، خیابان شهیدلطیفی، کوچه کرگه کبک، پوسناعت مراجعه کنند. در بخشی از خطبه فدکیه آمده است: «گاه باشید آنچه را گفتم نفر از بانوان فوق‌ممتاز خوشنویس تهران که از مدرسان این رشته هنری نیز هستند، برگزار شده و خطبه فدکیه با خط‌سنجلیک نگاشته خواهد شد.

لازم به توضیح است متن کتابت، به صورت ترجمه فارسی بوده و در پایان قرار است محصول فرهنگی از این کتابت به مرحله تولید و چاپ برسد. علاقه‌مندان برای شرکت در برنامه می‌توانند به نشانی میدان بهم، خیابان شهید تندگویان، خیابان شهیدلطیفی، کوچه کرگه کبک، پوسناعت مراجعه کنند. در بخشی از خطبه فدکیه آمده است: «گاه باشید آنچه را گفتم نفر از بانوان فوق‌ممتاز خوشنویس تهران که از مدرسان این رشته هنری نیز هستند، برگزار شده و خطبه فدکیه با خط‌سنجلیک نگاشته خواهد شد.

این ستر خلافت! لجامش را محکم بگیرد و بنیازد. اما بداندید پیشش زخمی و پایش لنگ و عار و نکشش همیشگی است. نشان خشم الهی بر آن خورده و عیبش ابدی است.»

بهره‌مندی از این متن کتابت، به صورت ترجمه فارسی بوده و در پایان قرار است محصول فرهنگی از این کتابت به مرحله تولید و چاپ برسد. علاقه‌مندان برای شرکت در برنامه می‌توانند به نشانی میدان بهم، خیابان شهید تندگویان، خیابان شهیدلطیفی، کوچه کرگه کبک، پوسناعت مراجعه کنند. در بخشی از خطبه فدکیه آمده است: «گاه باشید آنچه را گفتم نفر از بانوان فوق‌ممتاز خوشنویس تهران که از مدرسان این رشته هنری نیز هستند، برگزار شده و خطبه فدکیه با خط‌سنجلیک نگاشته خواهد شد.

لازم به توضیح است متن کتابت، به صورت ترجمه فارسی بوده و در پایان قرار است محصول فرهنگی از این کتابت به مرحله تولید و چاپ برسد. علاقه‌مندان برای شرکت در برنامه می‌توانند به نشانی میدان بهم، خیابان شهید تندگویان، خیابان شهیدلطیفی، کوچه کرگه کبک، پوسناعت مراجعه کنند. در بخشی از خطبه فدکیه آمده است: «گاه باشید آنچه را گفتم نفر از بانوان فوق‌ممتاز خوشنویس تهران که از مدرسان این رشته هنری نیز هستند، برگزار شده و خطبه فدکیه با خط‌سنجلیک نگاشته خواهد شد.

لازم به توضیح است متن کتابت، به صورت ترجمه فارسی بوده و در پایان قرار است محصول فرهنگی از این کتابت به مرحله تولید و چاپ برسد. علاقه‌مندان برای شرکت در برنامه می‌توانند به نشانی میدان بهم، خیابان شهید تندگویان، خیابان شهیدلطیفی، کوچه کرگه کبک، پوسناعت مراجعه کنند. در بخشی از خطبه فدکیه آمده است: «گاه باشید آنچه را گفتم نفر از بانوان فوق‌ممتاز خوشنویس تهران که از مدرسان این رشته هنری نیز هستند، برگزار شده و خطبه فدکیه با خط‌سنجلیک نگاشته خواهد شد.

پرسمان قرآنی

پاسخگوی شنوندگان قرآنی

حجت‌الاسلام ملکسی در برنامه «پرسمان قرآنی» اهمیت حفظ قرآن و انگیزه‌های افراد را طبق آیات و روایات بیان خواهد کرد. به گزارش روابط عمومی رادیو معارف، «پرسمان قرآنی» برنامه زنده‌ای است که به سؤالات قرآنی شنوندگان و شبیات قرآنی آنها پاسخ می‌دهد. در این برنامه که مورخ ۱۷ اسفند روی آنتن می‌رود و حجت‌الاسلام والمسلمین حمید ملکسی (مدیر مرکز تخصصی تفسیر حوزه علمیه قم) پاسخگوی سؤالات قرآنی شنوندگان در مورد حفظ قرآن و انگیزه‌های آن طبق احادیث و روایات خواهد بود. همچنین هم‌زمان با ایام شهادت جانشسوز حضرت زهرا(س) در خصوص سوره مباره کوثر که در شأن حضرت فاطمه زهرا(س) نازل شده است، توضیحاتی را بیان خواهد کرد. برنامه زنده «پرسمان قرآنی» با تلاش گروه معارف، (مدیر اهل‌بیت علیهم‌السلام به تهیه و سردبیری سید ابوالقاسم غفغفرنی و اجرای حسن حیدرزاده شنبه‌ها ساعت ۱۶ و بازپخش آن یک‌شنبه‌ها ساعت ۱۰:۰۱ از صدای قضیلت پخش می‌شود.

هم‌زمان با ایام فاطمیه؛

خطبه فدکیه را بانوان

خوشنویس کتابت می‌کنند



با هنرنمایی ۵۰ بانوی خوشنویس فوق‌ممتاز شهر تهران، خطبه فدکیه در فرهنگسرای مهر کتابت می‌شود. سیمیه مظفری، رئیس روابط عمومی فرهنگسرای مهر با اعلام این خبر گفت: فرهنگسرای مهر با هدف گرامیداشت ایام شهادت حضرت فاطمه زهرا(س)، تأکید بر سخنان حضرت فاطمه(س) در باب خطبه فدکیه خطاب به غاصبان خلافت و انتقال پیام در قالب هنر و به زبان خوشنویسی، ویژه‌برنامه «کتابت خطبه فدکیه» را برگزار می‌کند. مظفری افزود: این برنامه نهم اسفندماه ۱۳۹۵ ساعت ۱۶ و با حضور بیش از ۵۰ نفر از بانوان فوق‌ممتاز خوشنویس تهران که از مدرسان این رشته هنری نیز هستند، برگزار شده و خطبه فدکیه با خط‌سنجلیک نگاشته خواهد شد.

لازم به توضیح است متن کتابت، به صورت ترجمه فارسی بوده و در پایان قرار است محصول فرهنگی از این کتابت به مرحله تولید و چاپ برسد. علاقه‌مندان برای شرکت در برنامه می‌توانند به نشانی میدان بهم، خیابان شهید تندگویان، خیابان شهیدلطیفی، کوچه کرگه کبک، پوسناعت مراجعه کنند. در بخشی از خطبه فدکیه آمده است: «گاه باشید آنچه را گفتم نفر از بانوان فوق‌ممتاز خوشنویس تهران که از مدرسان این رشته هنری نیز هستند، برگزار شده و خطبه فدکیه با خط‌سنجلیک نگاشته خواهد شد. این ستر خلافت! لجامش را محکم بگیرد و بنیازد. اما بداندید پیشش زخمی و پایش لنگ و عار و نکشش همیشگی است. نشان خشم الهی بر آن خورده و عیبش ابدی است.»

سه‌گانه «سپاه‌دل» وارد بازار کتاب شد

سه‌گانه «سپاه‌دل» کورنلیا فونکسه نویسنده مشهور آلمانی باعث ایجاد انگیزه خواندن در بین مخاطبان می‌شود. مراسم رونمایی سه‌گانه «سپاه‌دل» با ترجمه شقایق قندهاری در سراسر اهل‌قلم برگزار شد. در این نشست علاوه بر مترجم، شهرام اقبال‌زاده، مترجم و نشرشکر و علی خاکبازان، منتقد ادبیات کودک که ویراستاری جلد سوم این کتاب را نیز بر عهده داشته است، حضور داشتند. این نشست با سخنان مترجم آغاز شد و در ادامه مهمانان به بحث درباره مجموعه پرداختند. قندهاری در ابتدای این برنامه ضمن تقدیر از روح حماسین ابراهیمی‌الوند گفت: «خستین‌بار آقای ابراهیمی این اثر فانتزی را به من پیشنهاد دادند البته ترجمه ادبیات فانتزی جزو علاقه‌مندی‌های من نیست اما وقتی این مجموعه را خواندم بسیار از آن لذت بردم.» او درباره این مجموعه گفت: «در دل این داستان، نویسنده هوشمندانه به جهان کتاب پرداخته است و نشان می‌دهد که هر کتاب در بیش و اندیشه ما نقش دارد و هر کتاب چه نقش مهمی در زندگی ما دارد.» علی خاکبازان نیز سخنان خود را با مروری بر این اثر آغاز کرد: «داستان این مجموعه درباره مگی و پدرش است که شخصیت‌های اصلی کتابند. آنها کشت می‌کنند که اگر کتابی را با صدای بلند بخوانند شخصیت‌های آن از دل کتاب بیرون می‌آیند و در ادامه داستان نیز شخصیت‌هایی از دنیای واقعی به آنها می‌پیوندند.» او ادامه داد: «این داستان بر از تعلیق است و ۷۵ شخصیت اصلی دارد. وقتی جداول را می‌خوانید، این تعلیق‌ها ادامه پیدا می‌کند. فونکه داستان‌هایش تزیین کرده‌اند. افسوس تصمیم داشته جلدهای دیگری برای آن بنویسد تا اینکه به جلد سوم می‌رسد و سرانجام سرنوشته همه شخصیت‌ها را مشخص می‌کند.»